

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۹/۲۰

تاریخ تصویب مقاله: ۹۱/۳/۱۳

تأثیر میزان سواد و آگاهی بر نگرش تربیتی مادران دربارهٔ تربیت اجتماعی نوجوانان شهر تهران

دکتر محسن طالب زاده نوبریان*، اکرم کاظمی** و سیدحسین موسوی***

چکیده

هدف از انجام این پژوهش شناسایی تأثیر میزان سواد و آگاهی بر نگرش مادران دربارهٔ تربیت اجتماعی فرزندان نوجوان بود. روش پژوهش حاضر، علی-مقایسه‌ای و جامعهٔ مورد نظر شامل کلیهٔ مادرانی است که در دوره‌های نهضت سوادآموزی (مقدماتی، تکمیلی و پایانی) شرکت کرده و دارای فرزندان ۱۲ تا ۱۶ ساله بوده‌اند. ابزار تحقیق، پرسشنامهٔ محقق ساخته بود که در بین افراد نمونهٔ تحقیق که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند، توزیع شد. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده، از تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. نتایج به دست آمده در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار بوده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین میزان سواد و آگاهی با

*استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی Email: mohsen.talebzadehnoorian@gmail.com

**کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

***دانشجوی کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهیدبهشتی

نگرش مادران درباره تربیت اجتماعی فرزندان تفاوت معناداری وجود دارد؛ به طوری که با افزایش سواد، آگاهی مادران درباره تربیت اجتماعی فرزندان نشان افزایش می‌یابد و این افزایش آگاهی در تغییر نگرش آنان مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: سواد و آگاهی، نگرش تربیتی، تربیت اجتماعی، فعالیت اجتماعی، تعامل اجتماعی، استقلال طلبی.

مقدمه

اجتماعی شدن فرایندی است که راه‌های زندگی در جامعه را به انسان می‌آموزد. رشد اجتماعی پایه و اساس زندگی اجتماعی است که شامل سازگاری با افراد، تا حدی کوشش برای انجام انتظارات افراد، تقویت روحیه همکاری، روشن‌بینی در برخورد با افکار و عقاید مخالف، رغبت برای انجام کارهای جمعی، قبول مسئولیت در کارهای جمعی، تمایل به معاشرت با دیگران و احترام به عقاید دیگران است (شریعتمداری، ۱۳۷۸: ۸۲). عوامل متعددی در اجتماعی شدن افراد مؤثرند که خانواده مهم‌ترین و سرآغاز آن‌هاست. از طریق خانواده روابط عاطفی و اجتماعی شکل می‌گیرد و محیط خانواده مقدمه‌ای برای ورود فرد به زندگی اجتماعی محسوب می‌شود (حسینی حیدری و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۵). فرایند تربیت اجتماعی فرزندان برای والدین لذت‌بخش و در عین حال در دوره نوجوانی با مشقت‌ها و ناراحتی‌هایی همراه است (لیلی وایت و برادلی^۱، ۱۹۹۶). وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ارزش‌ها، آداب و رسوم و میزان تحصیلات والدین از جمله عوامل مؤثر در رشد اجتماعی نوجوانان محسوب می‌شوند (کاکیا، ۱۳۸۷). سطح آگاهی و دانش والدین از مسایل نوجوانان عامل بسیار مهمی در تربیت اجتماعی و عاطفی فرزندان است (شمایی‌زاده و احمدی، ۱۳۸۷: ۱۶۶). نخستین و مهم‌ترین گام برای کسب آگاهی و دانش، سوادآموزی است (کاظمیان، ۱۳۷۶: ۳) و از مسایلی که کشورهای جهان سوم و

¹ - Lillywithe & Brradly

در حال توسعه با آن درگیرند، مسأله بی‌سوادی است. بر اساس آمار یونسکو^۱ (۲۰۰۵) از ۷۸۴۸۳۱ نفر بزرگ‌سال بی‌سواد در جهان، ۵۰۱۹۲۲ را زنان تشکیل می‌دهند. تبعیض جنسیتی، نابرابری‌های حقوقی، نهادینه شدن خشونت و تکنولوژی‌های تولید کالا از دلایل بی‌سوادی زنان است (لیم^۲، ۱۹۹۶، جانسون^۳، ۲۰۰۴). با توجه به این که زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، در حیات اجتماعی دارای نقشی مهم و حیاتی هستند و آموزش‌های سودمند می‌تواند آنان را در تربیت نسل آینده کارآمدتر و مؤثرتر سازد. تهیه و تدوین مواد آموزشی با توجه به نیازها و گرایش‌های مخاطبان با تکیه بر اصل احترام به دانش و تجارب آنان، نقش مؤثری در متقاعد ساختن آن‌ها نسبت به اهمیت و ضرورت آموزش در دنیای کنونی و ایجاد شوق به تداوم برنامه‌های آموزشی خواهد داشت. نهضت سوادآموزی در شرایط کنونی این مهم را در زمره راهکارهای اساسی خود قرار داده است (زنگنه، ۱۳۷۵: ۳۰۹). به طور کلی می‌توان گفت که چنانچه آموزش سواد به زنان کمک کند تا شرایط زندگی خود و خانواده را از طریق بهداشت، تغذیه بهتر و افزایش تولید و درآمد بهبود بخشند، آینده روشن‌تری برای فرزندان خود به همراه بیاورند، با تکنولوژی و فنون جدید آشنا شوند و آنان را در مشارکت و تصمیم‌گیری یاری کنند، آنگاه می‌توان اذعان داشت که این سواد مفید بوده و کمک عینی و عملی به زندگی و معاش زنان کرده است (مهران، ۱۳۷۳: ۱۷۳). اگر والدین به ارزش و اهمیت آموختن و رشد کردن پی نبرده باشند و به دلیل بی‌سوادی و یا کم‌سوادی از سطح فکری و نگرشی پایینی برخوردار باشند، مسلماً نمی‌توانند الگوهای خوبی برای فرزندانشان باشند (جلی، ۱۳۸۰: ۹). بیشتر مطالعاتی که در زمینه مقایسه رفتار زنان باسواد و بی‌سواد صورت گرفته نشان می‌دهد که این دو گروه در زمینه‌های مربوط به تغذیه کودک، ارتباط زبانی با کودکان و فراهم آوردن امکانات بهداشتی جهت خدماتی همچون واکسیناسیون و مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان رفتار مادرانه متمایزی را

^۱- UNESCO

^۲- Lime

^۳- Johnson

ارائه می‌دهند. مطالعاتی که در کشور کنیا (جایی که ۷۰ درصد از شرکت‌کنندگان در برنامه‌های سوادآموزی زنان هستند) صورت گرفت، نشان داد که داشتن سواد، فراگیری دانش‌های کارکردی مربوط به کشاورزی، بهداشت و برنامه‌ریزی خانوادگی را تسهیل می‌کند (استورمکوسیت، ۱۳۷۰: ۳). علاوه بر موارد ذکرشده، زنان تحصیل‌کرده فواید اقتصادی و اجتماعی بیشتری برای خانواده و اجتماع به ارمغان می‌آورند. سوادآموزی و مشارکت در آموزش باعث ایجاد اعتماد به نفس در زنان شده و مشارکت آن‌ها را در فامیل و در سطح جامعه افزایش می‌دهد (بالارا^۱، ۱۹۹۶). بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد که مهم‌ترین انگیزه زنان برای سوادآموزی اشتیاق آنان برای تربیت بهتر فرزندان خود و کمک به وضع تحصیلی آنان است (لیند^۲، ۱۳۷۰: ۷۶). مادران تحصیل‌کرده نقش مهمی در ادامه تحصیل و موفقیت فرزندان خود در آموزش دارند. آن‌ها نه تنها مشوق کودکان خود برای رفتن به مدرسه هستند، بلکه در انجام تکالیف مدرسه نیز می‌توانند به آنان کمک کنند (بن^۳، ۱۹۹۸: ۳۲).

تحقیقات نشان می‌دهد که بین سواد والدین و پیشرفت تحصیلی فرزندان رابطه مثبت برقرار است؛ یعنی با افزایش سواد والدین، پیشرفت تحصیلی فرزندان بیشتر می‌شود و تأثیر سواد مادران بر پیشرفت تحصیلی فرزندان بیشتر از سواد پدران است (حسن‌زادگان، ۱۳۶۶). زنگنه در تحقیقی (۱۳۷۵) نشان داد که سوادآموزی زنان بیشترین تأثیر را در زمینه مسائل تربیتی داشته و به میزان ۷۸/۶۳ درصد در بهبود و اصلاح رفتار سوادآموزان و فرزندانشان مؤثر بوده است. کین^۴ بر اساس مطالعاتی اظهار می‌کند که سواد والدین، توانایی آن‌ها را در امر تعلیم و تربیت فرزندان و میل و رغبت آن‌ها را در جهت جستجو برای یافتن مناسب‌ترین روش‌های پرورش فرزندان افزایش می‌دهد. علاوه بر این، سواد می‌تواند توانایی والدین را در ترکیب کردن اطلاعات

^۱- Ballara

^۲- Lind

^۳- Bane

^۴- Kin

افزایش دهد و در نهایت به تصمیم‌گیری مناسب در جهت رسیدن به اهداف منجر شود. سواد والدین با دقت آنان در بررسی عملکرد تحصیلی و توقعات واقع‌گرایانه آن‌ها از فرزندان هم‌خوانی دارد. همچنین سطح پایین سواد به تشویش، خصومت و افسردگی منجر می‌شود که این تغییرات بر نگرش والدین تأثیر می‌گذارد و در نهایت به فرزندان منتقل می‌شود (فینستین^۱، ۲۰۰۶: ۳-۴). کاتالانو^۲ و همکاران (۲۰۰۰)، کوهن^۳ (۲۰۰۴) و کوردک^۴ (۲۰۰۵) در تحقیقات جداگانه‌ای نشان دادند که بین سطح سواد مادران با نگرش و رفتار آنان نسبت به نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که والدین با سطح سواد بالاتر ارتباط نزدیک‌تری با فرزندان داشته و نوجوانان آنان نیز سازگاری و تعامل بیشتری با دیگران بروز می‌دادند.

یکی از خصوصیات دوره نوجوانی استقلال‌طلبی است. وظیفه اصلی خانواده در دوره نوجوانی فرزندشان این است که سعی کنند به آزادی و استقلال او کمک کنند و در رعایت و حمایت از او زیاده‌روی نکنند، اجازه دهند که احتیاجات شخصی خود را به تنهایی انجام دهند و حتی گاهی او را در حل بعضی مسایل خانوادگی شرکت دهند و عقاید او را محترم شمارند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵). در اوایل این دوره، نوجوان به تجدید مناسبات اجتماعی خود می‌پردازد و گروه دوستان برای او اهمیت خاصی پیدا می‌کنند. تعامل با دیگران در این دوران بر اساس یک نیاز اجتماعی و تمایل برای ایجاد روابط سالم و سازنده جمعی است و این تعاملات به‌ویژه با همسالان، نقش عمده‌ای را در اجتماعی شدن نوجوان ایفا می‌کند (احمدی، ۱۳۸۳). در کنار کسب مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی جهت رفع نیازهای نوجوانان، مشارکت اجتماعی و رعایت قوانین، احترام به مقررات اجتماعی و حقوق دیگران از ابعاد مهم تربیت اجتماعی هستند (میرکمالی، ۱۳۷۳؛ احمدی، ۱۳۸۳).

^۱- Feinstein

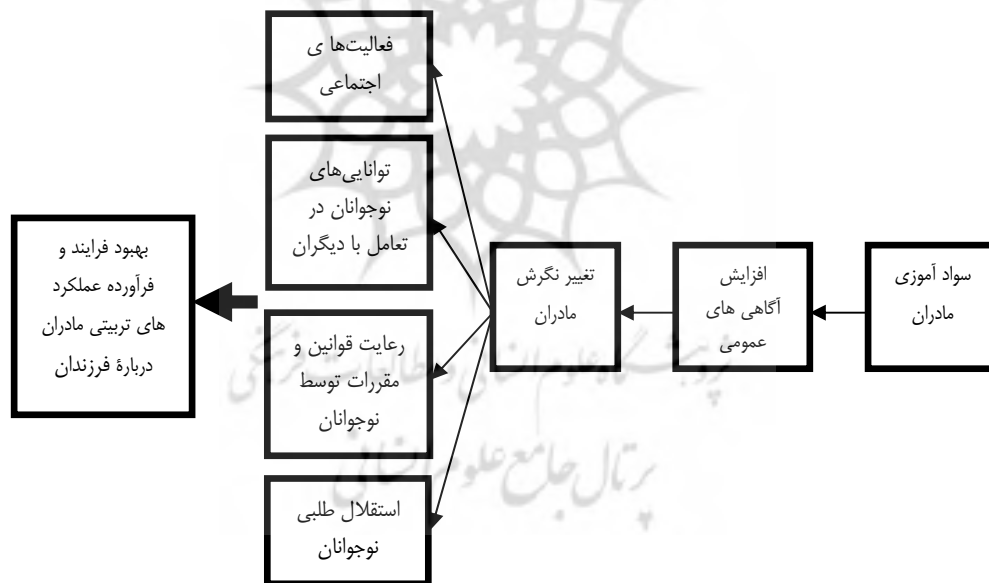
^۲- Catalano

^۳- Chohen

^۴- Kurdeck

والدین نقش بسزایی در پاسخ به این نیازها و کسب مهارت‌های اجتماعی فرزندان دارند. ناآگاهی والدین از این ابعاد اساسی تربیت اجتماعی و در نتیجه مواجهه نامناسب آنان باعث صدمات جبران‌ناپذیری بر فرایند اجتماعی شدن فرزندان می‌شود. بی‌شک خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه است. هر فردی ابتدا در خانواده رشد یافته و پدر و مادر نخستین مربیان او هستند و مسئولیت اصلی تربیت فرزندان با ایشان است. والدین همچنین از بانفوذترین پایگاه‌های تأثیرگذار بر فرزندان نوجوان خود هستند (علیزاده، ۱۳۸۰: ۹۵). اما هیچ پدر و مادری خود به خود نمی‌توانند پدر و مادر موفقی باشند و فرزندان خود را در سنین مختلف آن طور که هستند بشناسند، آن‌ها را درک کنند و رابطه‌ی درستی با آنان برقرار سازند، مگر این که اطلاعات لازم و ضروری را کسب کرده باشند (سلیمانی طی، ۱۳۸۲: ۱۳۶).

با توجه به مطالب بیان شده و مبانی نظری پژوهش می‌توان رابطه‌ی سواد مادران با بهبود عملکرد تربیتی آنان درباره‌ی فرزندان را در قالب شکل ۱ چارچوب‌بندی کرد.



شکل ۱: رابطه‌ی سواد مادران با بهبود عملکرد تربیتی آنان درباره‌ی فرزندان

در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی تأثیر میزان سواد و آگاهی بر نگرش تربیتی مادران درباره تربیت اجتماعی نوجوانان می‌پردازد و می‌کوشد فرضیه‌های زیر را بررسی کند:

۱. بین سواد و آگاهی مادران با نگرش آنان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی نوجوانان تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین میزان سواد و آگاهی مادران با نگرش آنان در زمینه توانایی‌های نوجوانان در تعامل با دیگران تفاوت معناداری وجود دارد.
۳. بین میزان سواد و آگاهی مادران با نگرش آنان در زمینه رعایت قوانین و مقررات تفاوت معناداری وجود دارد.
۴. بین میزان سواد و آگاهی مادران با نگرش آنان در زمینه نیاز نوجوانان به استقلال‌طلبی، تفاوت معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است و جامعه آماری را کلیه مادرانی تشکیل می‌دهند که در دوره‌های نهضت سوادآموزی در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ شرکت کرده و دارای حداقل یک فرزند نوجوان بوده‌اند. نمونه پژوهش به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شد؛ بدین ترتیب که ابتدا از بین چهار منطقه نهضت سوادآموزی (شمال، جنوب، شرق و غرب) شهر تهران، مناطق غرب و جنوب به طور تصادفی مشخص شد و سپس به صورت تصادفی ۶ مرکز سوادآموزی از غرب و ۶ مرکز سوادآموزی از جنوب انتخاب شدند. از میان سوادآموزان این مراکز، تعداد ۳۵۲ نفر بر اساس جدول تعیین نمونه (کرجسی و مورگان) به طور تصادفی به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند که از این بین، ۳۴۵ نفر به طور کامل به پرسشنامه پژوهش پاسخ داده بودند. از این تعداد ۱۱۲ نفر دوره مقدماتی، ۱۱۷ نفر دوره تکمیلی و ۱۱۶ نفر دوره پایانی را می‌گذراندند. برای گردآوری داده‌ها از یک پرسشنامه محقق‌ساخته که بر اساس روش لیکرت تهیه شده بود استفاده شد. پرسشنامه پس از بررسی تفصیلی مبانی نظری تحقیق با ۴۵ گویه و ۴ خرده‌مقیاس تهیه شد و روایی محتوایی آن به تأیید متخصصان و صاحب‌نظران علوم تربیتی رسید. پایایی کلی پرسشنامه بر اساس داده‌های به دست آمده از اجرای مقدماتی بر روی

۳۰ نفر از جامعه آماری با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ محاسبه شد. آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های فعالیت‌های اجتماعی نوجوانان (با ۹ گویه)، توانایی‌هایی که نوجوانان باید در تعامل با دیگران داشته باشند (با ۱۴ گویه)، قوانین و مقرراتی که نوجوانان باید رعایت کنند (با ۱۰ گویه) و نیاز نوجوانان به استقلال‌طلبی (با ۱۲ گویه) به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۷، ۰/۸۴ و ۰/۸۵ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها و شناسایی تفاوت متغیرها از روش آماری تحلیل واریانس یک طرفه و برای شناسایی معنی‌داری تفاوت بین میانگین نمرات متغیرها، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

یافته‌ها

فرضیه اول پژوهش: بین میزان سواد و آگاهی مادران با نگرش آنان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی فرزندان، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱: نتایج تحلیل واریانس میزان سواد مادران در زمینه فعالیت‌های اجتماعی فرزندان

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۱۵۰۱۳/۴۴	۲	۷۵۰۶/۷۲	۸۸/۴۷	۰/۰۰۱
درون گروهی	۲۹۰۱۹/۰۹	۳۴۲	۸۴/۸۵		
کل	۴۴۰۳۳/۳۵	۳۴۴			

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۱، F محاسبه شده (۸۸/۴۷) در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار است ($P < ۰/۰۱$). بنابراین بین میزان سواد مادران و نگرش آنان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی که فرزندان نوجوانشان می‌توانند انجام دهند، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۲: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میانگین میزان سواد مادران سه دوره با نگرش آنان به فعالیت‌های اجتماعی فرزندان

سطح معنی‌داری	خطای انحراف معیار	تفاوت میانگین‌ها	میانگین دوره تکمیلی	میانگین دوره مقدماتی
۰/۰۰۱	۱/۲۱۷۷	-۹/۷۷۸۳	۷۴/۰۹۱۹	۶۴/۳۱۳۶
۰/۰۰۱	۱/۲۰۷۰	-۶/۳۴۹۹	میانگین دوره پایانی	میانگین دوره تکمیلی
			۸۰/۴۴۱۸	۷۴/۰۹۱۹
۰/۰۰۱	۱/۲۲۰۳	-۱۶/۱۲۸۲	میانگین دوره پایانی	میانگین دوره مقدماتی
			۸۰/۴۴۱۸	۶۴/۳۱۳۶

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین میزان سواد مادران شرکت کننده در سه دوره مقدماتی، تکمیلی و پایانی با نگرش آنان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی که فرزندان نوجوانشان می‌توانند انجام دهند، تفاوت معناداری وجود دارد. به طوری که با افزایش میزان سواد مادران، نگرش آنان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی که فرزندانشان می‌توانند انجام دهند افزایش می‌یابد. فرضیه دوم پژوهش: بین میزان سواد و آگاهی مادران با نگرش آنان در زمینه توانایی‌های نوجوانان در تعامل با دیگران تفاوت معناداری وجود دارد. خلاصه نتایج مربوط به فرضیه فرعی دوم در جدول شماره ۳ ارائه شده است:

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس میزان سواد مادران در زمینه توانایی‌های تعامل فرزندان با دیگران

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۱۱۰۹۲/۷۶۶	۲	۵۵۴۶/۳۸۳	۸۴/۱۸۴	۰/۰۰۱
درون گروهی	۲۲۵۳۲۲/۲۲۶	۳۴۲	۶۵/۸۸۴		
کل	۳۳۶۲۴/۹۹۲	۳۴۴			

نتایج جدول ۳ بیانگر آن است که F به دست آمده (۸۴/۱۸۴) در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است ($P < 0/01$). بنابراین بین میزان سواد مادران بر نگرش آنان در زمینه توانایی‌هایی که فرزندان باید در تعامل با دیگران داشته باشند، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میانگین میزان سواد مادران سه دوره با نگرش آنان در زمینه توانایی‌های تعامل فرزندان با دیگران

میانگین دوره مقدماتی	میانگین دوره تکمیلی	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف معیار	سطح معنی‌داری
۶۹/۲۱۱۳	۷۶/۰۶۸۴	-۶/۸۵۷۱	۱/۰۷۳۰۱	۰/۰۰۱
میانگین دوره تکمیلی	میانگین دوره پایانی	-۷/۰۹۲۵	۱/۰۶۳۲۵	۰/۰۰۱
۷۶/۰۶۸۴	۸۳/۱۶۰۹			
میانگین دوره مقدماتی	میانگین دوره پایانی	-۱۳/۹۴۹۶	۱/۰۷۵۲۵	۰/۰۰۱
۶۹/۲۱۱۳	۸۳/۱۶۰۹			

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که بین میزان سواد مادران شرکت‌کننده در سه دوره مقدماتی، تکمیلی و پایانی و نگرش آنان در زمینه توانایی‌هایی که فرزندان باید در تعامل با دیگران داشته باشند تفاوت معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش میزان سواد مادران، نگرش آنان در زمینه توانایی‌هایی که فرزندان باید در تعامل با دیگران داشته باشند افزایش می‌یابد.

فرضیه سوم پژوهش: بین میزان سواد و آگاهی مادران با نگرش آنان در زمینه رعایت قوانین و مقررات تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس میزان سواد مادران در زمینه رعایت قوانین و مقررات توسط فرزندان

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معنی داری
بین گروهی	۱۰۷۲۱/۳۰۲	۲	۵۳۶۰/۶۵۱	۹۵/۶۰۰	۰/۰۰۱
درون گروهی	۱۹۱۷۷/۲۷۹	۳۴۲			
کل	۲۹۸۹۸/۸۱	۳۴۴			

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۵، F محاسبه شده (۹۵/۶) در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی دار است ($P < 0/01$). بنابراین بین میزان سواد مادران و نگرش آنان در زمینه قوانین و مقرراتی که فرزندان باید رعایت کنند، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میانگین میزان سواد مادران سه دوره با نگرش آنان در زمینه رعایت قوانین و مقررات توسط فرزندان

میانگین دوره مقدماتی	میانگین دوره تکمیلی	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف معیار	سطح معنی داری
۷۵/۱۸۲۶	۸۴/۲۴۶۳	-۹/۰۶۳۷	۰/۹۸۹۹۱	۰/۰۰۱
میانگین دوره تکمیلی	میانگین دوره پایانی	-۴/۴۰۹۶	۰/۹۸۱۱۵	۰/۰۰۱
۸۴/۲۴۶۳	۸۸/۶۵۶۰			
میانگین دوره مقدماتی	میانگین دوره پایانی	-۱۳/۴۷۳۳	۰/۹۹۲۰۰	۰/۰۰۱
۷۵/۱۸۲۶	۸۸/۶۵۶۰			

یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که بین میزان سواد مادران شرکت کننده در سه دوره مقدماتی، تکمیلی و پایانی و نگرش آنان در زمینه قوانین و مقرراتی که فرزندان باید رعایت

کنند، تفاوت معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش میزان سواد مادران، نگرش آنان در زمینه قوانین و مقرراتی که فرزندان باید رعایت کنند افزایش می‌یابد. فرضیه چهارم پژوهش: بین میزان سواد و آگاهی مادران و نگرش آنان در زمینه نیاز نوجوانان به استقلال طلبی، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۷: نتایج تحلیل واریانس سواد مادران در زمینه نیاز فرزندان نوجوانشان به

استقلال طلبی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آزمون F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۹۸۶۳/۹۴۷	۲	۴۹۳۱/۹۷۴	۷۶/۲۰۵	۰/۰۰۱
درون گروهی	۲۲۱۳۴/۱۹۶	۳۴۲	۶۶/۷۲۰		
کل	۳۱۹۹۸/۱۴۳	۳۴۴			

با توجه به یافته‌های جدول ۷، F محاسبه شده (۷۶/۲۰۵) در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار است ($P < 0/01$). لذا بین میزان سواد مادران و نگرش آنان در زمینه نیاز فرزندان به استقلال طلبی، تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۸: نتایج آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میانگین میزان سواد مادران سه دوره با

نگرش آنان در زمینه نیاز فرزندان به استقلال طلبی

میانگین دوره مقدماتی	میانگین دوره تکمیلی	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف معیار	سطح معنی‌داری
۷۰/۳۳۲۸	۷۷/۳۶۹۹	-۷/۰۳۷۱	۱/۰۶۳۴۶	۰/۰۰۱
میانگین دوره تکمیلی	میانگین دوره پایانی	-۶/۱۱۳۷	۱/۰۵۴۰۸	۰/۰۰۱
۷۷/۳۶۹۹	۸۳/۴۸۳۵			
میانگین دوره مقدماتی	میانگین دوره پایانی	-۱۳/۱۵۰۸	۱/۰۶۵۷۳	۰/۰۰۱
۷۰/۳۳۲۸	۸۳/۴۸۳۵			

یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که بین میزان سواد مادران شرکت کننده در سه دوره مقدماتی، تکمیلی و پایانی و نگرش آنان در زمینه نیاز فرزندان به استقلال طلبی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش میزان سواد مادران، آگاهی آنان درباره نیاز فرزندان به استقلال طلبی افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از بررسی فرضیه اول نشان داد که بین میزان سواد مادران و نگرش آنان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی که فرزندان می‌توانند انجام دهند تفاوت معناداری وجود دارد و با افزایش سواد مادران، نگرش آنان در زمینه فعالیت‌های اجتماعی که فرزندان می‌توانند انجام دهند افزایش می‌یابد. نتایج با یافته‌های کاگیتی و گوگسن^۱ (۲۰۰۵، به نقل از فینستین، ۲۰۰۶)، فینستین، ریکارد و ساباتاس^۲ (۲۰۰۶) هم‌سو است. به نظر می‌رسد با ارائه معلومات لازم، سطح آگاهی مادران و نگرش آنان درباره فعالیت‌های اجتماعی فرزندان در خانه، مدرسه و در تعامل با دیگران افزایش می‌یابد. از بررسی فرضیه دوم این نتیجه به دست آمد که میزان سواد مادران بر نگرش آنان در زمینه توانایی‌هایی که فرزندان باید در تعامل با دیگران داشته باشند تأثیر دارد؛ یعنی با افزایش میزان سواد مادران، نگرش آنان در زمینه توانایی‌هایی که فرزندان باید در تعامل با دیگران داشته باشند افزایش می‌یابد. این نتیجه با یافته‌های زنگنه (۱۳۷۵)، کاتالونا و همکاران (۲۰۰۰) و کوهن و شولز (۲۰۰۴) مبنی بر این که فرزندان که از نظر روابط اجتماعی موفق‌تر هستند مادرانی با سطح سواد بالاتر دارند هم‌راستا است. سطح سواد و آموزش والدین، دقت آن‌ها را در بررسی و پیش‌بینی عملکرد فرزندان افزایش می‌دهد (الکساندر، انتواسل و بدینگر^۳، ۱۹۹۴، به نقل از فینستین، ۲۰۰۶).

^۱ - Kagiti & Googsen

^۲ - Feinstein, Ricardo, Sabatas

^۳ - Alexander, Entwisle & Beinger

نتایج حاصل از بررسی فرضیه سوم نشان داد که بین میزان سواد مادران و نگرش آنان در زمینه قوانین و مقرراتی که فرزندان باید رعایت کنند تفاوت معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش میزان سواد مادران، نگرش آنان در زمینه قوانین و مقرراتی که فرزندان باید رعایت کنند افزایش می‌یابد. این نتایج با یافته‌های کوداک (۲۰۰۵)، زنگنه (۱۳۷۵) و حسن‌زادگان (۱۳۶۶) هم‌سوست. مادران باسواد به دلیل آشنایی با قوانین و مقررات حاکم بر جامعه و کسب مهارت‌های اجتماعی در تربیت اجتماعی فرزندان به درستی رفتار می‌کنند. والدین آموزش‌دیده به طور مناسبی با فرزندان درباره قوانین و مقررات اجتماعی گفت‌وگو می‌کنند و اطلاعات لازم را در اختیار آنان قرار می‌دهند (لاورنس و هایسون^۱، ۲۰۰۶).

یافته‌های حاصل از فرضیه چهارم نشان داد که بین میزان سواد مادران و نگرش آنان در زمینه نیاز فرزندان به استقلال‌طلبی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش میزان سواد مادران، آگاهی آنان در زمینه استقلال‌طلبی نوجوانشان افزایش می‌یابد. نتایج با یافته‌های بالارا (۱۹۹۶۰)، کوداک (۲۰۰۵) و کوهن و شولز (۲۰۰۴) هم‌سوست. مادران باسواد به دلیل آشنایی با ویژگی‌های دوره نوجوانی به فرزندان خود احترام گذاشته، قدرت تصمیم‌گیری آنان را افزایش می‌دهند و به استقلال‌طلبی فرزند نوجوان خود توجه می‌کنند.

از اطلاعات به دست آمده در پژوهش حاضر و بررسی پژوهش‌های مرتبط چنین استنباط می‌شود که افزایش سواد مادران، زمینه‌های کسب آگاهی‌های عمومی را در آنان فراهم می‌آورد. مادران نوسواد از این توانایی جدید برای کسب آگاهی در زمینه شیوه‌های حل مسائل و مشکلات روزمره زندگی خود به طور عموم بهره می‌گیرند و مهارت‌های زندگی آنان گسترش می‌یابد.

¹ - Lawrence & Hynson

از جمله دستاوردهای افزایش آگاهی مادران نوسواد، به‌کارگیری اطلاعات و آگاهی‌های به دست آمده در زمینه تربیت فرزندان است (مگر^۱، ۱۹۹۹). آگاهی‌های مادران در تربیت فرزندان خود، زمینه‌های نگرشی آنان را درباره عملکرد تربیتی خویش تغییر می‌دهد و این امر به نوبه خود بر عملکرد مادران در زمینه تربیت فرزندان مؤثر می‌افتد. به ویژه پژوهش حاضر نشان داد که آگاهی مادران به دلیل سوادآموزی در نگرش آنان نسبت به فعالیت‌های اجتماعی که فرزندان می‌توانند انجام دهند تغییرات معنی‌داری می‌یابد؛ به گونه‌ای که این تغییرات نگرش آنان را برای تسهیل عملکرد مناسب جهت فعالیت اجتماعی فرزندان فراهم می‌سازد. همچنین آگاهی‌های عمومی به دست آمده برای مادران در نتیجه سوادآموزی، در زمینه نگرش آنان نسبت به توانایی‌هایی که فرزندان باید در تعامل با دیگران داشته باشند تغییر می‌یابد؛ به گونه‌ای که این دسته از تغییرات نگرش آنان را به طور متناسب جهت تسهیل و افزایش توانایی‌های فرزندان با دیگران بهبود خواهد بخشید. علاوه بر این، آگاهی‌های عمومی که مادران در نتیجه سوادآموزی کسب می‌کنند، در زمینه افزایش مهارت زندگی درباره نگرش نسبت به رعایت قوانین و مقررات فرزندان تغییر می‌یابد؛ به گونه‌ای که زمینه را برای اعمال رفتارهایی از جانب مادر جهت افزایش میزان رعایت قوانین و مقررات و اصول شهروندی و توجه به این امور در نوجوانان بهبود می‌بخشد. در نهایت، این آگاهی‌های عمومی به دست آمده در نتیجه سوادآموزی برای مادران در زمینه افزایش آگاهی نسبت به نیاز نوجوانان به استقلال‌طلبی نیز تغییر می‌یابد و به نگرش‌های مادران درباره فعالیت‌های تربیتی جهت افزایش توجه به استقلال‌طلبی نوجوانان کیفیت مطلوب‌تری می‌بخشد.

با توجه به تأثیر میزان سواد و آگاهی بر نگرش تربیتی مادران درباره تربیت اجتماعی فرزندان پیشنهاد می‌شود آموزش و پرورش و دیگر نهادها و سازمان‌های مرتبط، با برگزاری

¹ - Mager

کلاس‌های سوادآموزی، آموزش والدین و خانواده و کارگاه‌های آشنایی با تربیت اجتماعی فرزندان، گامی مهم در افزایش آگاهی والدین در زمینه چگونگی تعامل با والدین بردارند.

منابع

- ۱- احمدی، سید احمد. (۱۳۸۳). روان‌شناسی نوجوانان و جوانان. اصفهان: مشعل.
- ۲- استورمکوسیت، نوام. (۱۳۷۰). «سوادآموزی زنان و دیدگاه‌هایی برای آینده». (ترجمه محمد مینایی). خبرنامه معاونت روابط عمومی و تبلیغات مدیریت نهضت سوادآموزی، ۷ (۲۹-۲۵).
- ۳- جبلی، خلیل. (۱۳۸۰). «تأثیر سواد والدین بر آموزش و پرورش فرزندان». روزنامه ایران، ۷ (۱۸۷۵).
- ۴- حسن‌زادگان، محمد. (۱۳۶۶). بررسی رابطه سواد والدین و تعلیم و تربیت فرزندان. پایان‌نامه کارشناسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۵- حسینی حیدری، میر اسدا...، باقری، نسرین. و قانع، محمد رضا. (۱۳۸۵). «نگرش والدین به کلاس‌های آموزش خانواده». اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، ۱۴(۱)، ۲۴-۱۸.
- ۶- زنگنه، شهلا. (۱۳۷۵). بررسی تأثیر سواد زنان در بهره‌وری خانواده از حیث کاربردی بودن از نظر سوادآموزان کلاس پنجم استان تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۷- سلیمانی طی، محمد. (۱۳۸۲). بررسی اثرات نقش کلاس‌های آموزش خانواده در نگرش تربیتی و تحصیلی والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه مشهد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸- شریعتمداری، علی. (۱۳۷۸). روان‌شناسی تربیتی. تهران: امیرکبیر.
- ۹- شمایی‌زاده، پروین. و احمدی، احمد. (۱۳۸۷). «تأثیر آموزش منظم به والدین بر روابط خانوادگی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان». پژوهش در علوم تربیتی، ۱۸ (۱۸۶-۱۶۵).
- ۱۰- علیزاده، حمید. (۱۳۸۰). «تعامل والدین با فرزند: تحول و آسیب‌شناسی». پژوهش‌های روان‌شناختی، ۳ (۶) (۵۵-۴۶).

- ۱۱- کاظمیان، فرامرز. (۱۳۷۶). بررسی میزان آگاهی نوسوادان زن استان تهران از حقوق فردی و اجتماعی مندرج در قانون اساسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۲- کاکیا، لیلا. (۱۳۸۷). «نقش آموزش خانواده در سازگاری نوجوانان مقطع راهنمایی دخترانه». *خانواده و پژوهش*، ۲(۳) (۵۶-۴۸).
- ۱۳- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۵). *روانشناسی رشد* (۲). تهران: سمت.
- ۱۴- لیند، آگنتا. (۱۳۷۰). *سوادآموزی بزرگسالان در جهان سوم*. (ترجمه مرتضی مشتاقی). تهران: ارشاد.
- ۱۵- مهران، گلنار. (۱۳۷۳). *بررسی سوادآموزی تابعی برای زنان، آموزش بزرگسالان و مسایل اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی، مرحله دوم*. تهران: موسسه بین‌المللی روش‌های آموزش بزرگسالان.
- ۱۶- میرکمالی، محمد. (۱۳۷۳). *رهبری و مدیریت آموزشی*. تهران: رامین.
- 17-Ballara . M. (1996). Gender approach to adult literacy basic education literacy online, Conference on literacy.
- 18-Bane. M.J.(1978).Marital disruption and the lives of children. *Journal of lifelong education*,(8),31 – 48.
- 19-Catalano. F ,Grainy. R & Fleming (2000).An experimental intervention whit families in substance. *Journal of A.Idictions*.13,241- 254.
- 20-Chohen ,D.(2004). The wealth of word and the poverty of Nations, Trans.Laquleline Liden filed MIT press, Cambridge, MA.
- 21-Feinstein. I & Sabates. Ricardo.(2006).Does education have an impact on mothers' educational attitudea an behaviours? *Journal of consulting and psychology*.(5),1926 – 1930.
- 22-Johnson,A. (2004). Strenghtening family literacy : How states can increase funding and improve quality.
- 23-Kurdeck ,L.A.(2005).Comparative Addaction of therapeutic components Associated, *Journal of consulting and psychology*.(6),1976 – 1980.
- 24-Lawrence. M.Hynson. JR(2009).A systems approach to community family education. *Journal of family psychology*.(9),63 – 78.

- 25-Lillywithe, H.S & Brradly , D,P,(1996).Communication problems in mental retardation. New York: Harper and Row.
- 26-lim ,B, J.(1996).Women and literacy : Definition of literacy. The causes and monifestion of illiteracy and Implications for the educator.
- 27-Mager, C.(1999).Open college networks. Journal of adult learning, 3(5), 12 – 35.
- 28-UNESCO to institute for statistic.(2005). Women still left behind in efforts to achive global literacy.

